







امنیت ملی ایران

روایت کلان راهبرد

# بر لبه تنهایی

ولی نصر

ترجمه:

وحید عابدینی، فاطمه سادات موسوی کریمی



سرشناسه: نصر، سیدولی رضا، ۱۳۳۹ - Nasr, Seyyed Vali Reza  
عنوان و نام پدیدآور: برلبه تنهایی: روایت کلان راهبرد امنیت ملی ایران/نویسنده ولی نصر؛  
مترجمان وحید عابدینی، فاطمه سادات موسوی کریمی؛ ویراستار زهیر خلیفه.  
مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری: ۳۹۴ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۳-۲۳۴-۶۱۳-۳

یادداشت: عنوان اصلی: Iran's grand strategy: a political history, 2025.  
عنوان دیگر: روایت کلان راهبرد امنیت ملی ایران.  
موضوع: امنیت ملی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴  
امنیت ملی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۵  
موضوع: ایران -- روابط خارجی -- ۱۳۷۶-۱۳۵۸  
ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۵۸ - ۱۳۷۶  
شناسه افزوده: عابدینی، وحید، ۱۳۶۰-، مترجم  
شناسه افزوده: موسوی کریمی، فاطمه سادات، ۱۳۶۴-، مترجم  
رده بندی کنگره: DSR1652  
رده بندی دیویی: ۳۵۳/۱۲۴۰۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۵۳۹۹۸



# برلبه تنهایی

## روایت کلان راهبرد امنیت ملی ایران

ولی نصر

مترجمان: وحید عابدینی، فاطمه سادات موسوی کریمی

ویراستار: زهیر خلیفه

طرح جلد: سیدصدرالدین بهشتی

چاپ اول ۱۴۰۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۳-۲۳۴-۶۱۳-۳

چاپ و صحافی: پردیس دانش

آدرس: خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان شهید بهشتی، کوچه نادر، پلاک ۳، واحد ۱، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۷۳۳۹۰۲-۸۶۱۲۴۵۳۸    نامبر: ۸۸۷۲۱۵۱۴

سایت: [www.rowzanehnashr.com](http://www.rowzanehnashr.com)

rowzanehnashr

rowzanehnashr

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

به ایرانیان،  
به عشق عمیقشان به میهن  
و ایمان استوارشان به آینده آن.

باشد که مردم ایران به صلح و شکوفایی پایدار دست یابند  
و ایران جایگاه شایسته خود را در جهان باز یابد.

شما ممکن است به جنگ علاقه‌ای نداشته باشید، اما  
جنگ به شما علاقه‌مند است.

- مایکل والزر، جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه: استدلالی اخلاقی با نمونه‌های تاریخی

استنباط غلط از تاریخ بخشی از ملت بودن است.

- ارنست رنان، ملت چیست؟

# فهرست

یادداشت مترجم | ۱۱

مقدمه نویسنده بر نسخه فارسی | ۱۳

فصل اول: تاریخ و رویداد تاریخ | ۲۷

دولت ضعیف در عصر امپریالیسم | ۲۹

راهبرد کلان بقا | ۳۱

اشغال متفقین و شیخ تجزیه | ۳۴

نفت، ملی‌گرایی و کودتای ۱۳۳۲ | ۳۶

کودتای ۱۳۳۲ | ۴۰

شاه و ساختن ایران بزرگ | ۴۲

لحظه‌ی ایران در خاورمیانه | ۴۵

بخش اول: کوران انقلاب و جنگ | ۵۱

فصل دوم: در جست‌وجوی استقلال انقلابی | ۵۳

ایالات متحده به عنوان تهدید مشترک | ۵۹

بحران گروگان‌گیری | ۶۱

صدور انقلاب | ۶۹

فصل سوم: مبارزه برای پیروزی در انقلاب | ۷۹

انقلاب اجتماعی | ۸۱

چگونه بحران گروگان‌گیری انقلاب را شکل داد | ۹۱

فصل چهارم: دفاع مقدس: چگونه جنگ راهبرد ایران را دگرگون کرد | ۱۰۱

ظهور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی | ۱۱۲

فرمان جنگ درازمدت | ۱۲۴

گسترش جنگ: آمریکا و لبنان | ۱۳۲

پایان جنگ | ۱۴۲

فصل پنجم: چگونه جنگ جمهوری اسلامی را شکل داد | ۱۴۷

جنگ و تثبیت دولت | ۱۵۰

تأثیر جنگ بر مشارکت سیاسی | ۱۵۳

بخش دوم: آیت الله خامنه‌ای و راهبرد کلان مقاومت | ۱۶۳

فصل ششم: پس از جنگ: اصلاح یا مقاومت | ۱۶۵

جمهوری اسلامی دوم | ۱۶۷

آیت الله خامنه‌ای و بی‌اعتمادی همیشگی به ایالات متحده | ۱۷۰

هاشمی رفسنجانی و توسعه | ۱۷۴

ایالات متحده | ۱۸۵

پایان جنگ سرد | ۱۸۸

کشمکش در داخل | ۱۸۹

سیاست تغییر اجتماعی | ۱۹۱

خاتمی و چالش گشایش سیاسی | ۱۹۳

احمدی نژاد و فرجام اصلاح طلبی | ۲۰۲

فصل هفتم: دفاع روبه جلو: در جستجوی عمق راهبردی برای مقاومت | ۲۰۷

وعده استراتژیک عراق شیعه | ۲۱۲

نبرد برای عراق | ۲۱۵

دفاع روبه جلو | ۲۱۶

جنگ سی و سه روزه | ۲۲۳

جنبش سبز ۱۳۸۸: آخرین ایستادگی اصلاح طلبان | ۲۲۵

فصل هشتم: ظهور محور مقاومت | ۲۳۱

مقابله با داعش | ۲۴۲

محور ایران و روسیه | ۲۴۸

دفاع روبه جلو در یمن | ۲۵۱

بخش موشکی | ۲۵۴

محور مقاومت و جنگ در غزه | ۲۵۶

فصل نهم: بهای موفقیت | ۲۶۳

دستاوردها و مخاطرات دفاع روبه جلو | ۲۶۴

فصل دهم: شطرنج هسته‌ای | ۲۷۳

ورود روحانی | ۲۸۱

مذاکرات هسته‌ای | ۲۸۲

پیامدهای برجام | ۲۸۵

خروج آمریکا از برجام و فشار حداکثری | ۲۹۰

بازگشت به دیپلماسی هسته‌ای | ۳۰۱

متحدان جدید فشار حداکثری | ۳۰۴

نتیجه‌گیری‌های هسته‌ای | ۳۰۸

فصل یازدهم: مردم و سیاست خارجی | ۳۱۱

اعتراضات ۱۴۰۱ | ۳۲۰

سپاس نامه | ۳۳۳

کتابشناسی | ۳۳۵



## یادداشت مترجم

کتابی که پیش رو دارید صرفاً ترجمه‌ای واژه‌به‌واژه از متن انگلیسی نیست، بلکه حاصل فرآیندی چندمرحله‌ای است که با هدف فراهم ساختن متنی روان، دقیق و منطبق با انتظارات مخاطب فارسی‌زبان به انجام رسیده است.

پس از ترجمه‌ی اولیه، متن نهایی با همکاری دکتر وحید عابدینی، استاد مطالعات بین‌الملل در دانشگاه اوکلاهما، مورد بازبینی و بازنویسی قرار گرفت. دکتر عابدینی که هم با آرای نویسنده و جهان فکری او آشنایی داشت و هم از منابع و ادبیات فارسی شناختی عمیق، نقشی کلیدی در تطبیق مفاهیم کتاب با زمینه‌ی فکری، زبانی و تاریخی مخاطب ایرانی ایفا کرد.

در این مسیر، برخی توضیحاتی که برای خواننده‌ی انگلیسی‌زبان ضروری اما برای مخاطب فارسی‌زبان بدیهی یا تکراری بود، حذف شده است. در مقابل، در مواردی برای ایجاد پیوند با بستر بومی یا افزایش وضوح مفهومی، توضیحاتی افزوده و ارجاعاتی به منابع فارسی گنجانده شده است. همچنین در بسیاری از مواردی که متن مبدا به نقل‌قول‌هایی از منابع فارسی استناد داشت، در صورت دسترسی، متن اصلی این منابع جایگزین ترجمه‌ی مجدد آن‌ها شده است؛ تا هم اصالت روایت حفظ شود و هم پیوند میان روایت انگلیسی و حافظه‌ی تاریخی فارسی تقویت گردد.

در اینجا وظیفه‌ی خود می‌دانم از جناب دکتر ولی نصر، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه جانز هاپکینز و نویسنده‌ی کتاب، صمیمانه سپاسگزاری کنم که با گشاده‌رویی

و دقت نظر، این مسیر را همراهی کردند و برای نسخه‌ی فارسی کتاب نیز مقدمه‌ای اختصاصی نگاشته‌اند.

این تلاش مشترک، با رعایت امانت نسبت به متن مبدا و در هماهنگی با نویسنده و در عین حال با حساسیت نسبت به ویژگی‌های زبانی و ذهنی خواننده‌ی فارسی‌زبان، کوشیده است اثری قابل اتکا، خواندنی و سودمند در اختیار علاقه‌مندان به سیاست خارجی، امنیت ملی و راهبرد کلان ایران قرار دهد.

فاطمه سادات موسوی کریمی

## مقدمه نویسنده بر نسخه فارسی

در خرداد ۱۴۰۴ اسرائیل و ایالات متحده حملاتی نظامی را علیه ایران آغاز کردند. این نخستین جنگ و تجاوز به خاک ایران از زمان ورود نیروهای عراقی به خوزستان و اشغال خرمشهر در شهریور ۱۳۵۹ بود. حمله اسرائیلی-آمریکایی دوازده روز به طول انجامید. برخلاف حمله صدام، ایران این بار با ورود ارتش بیگانه و اشغال سرزمینی مواجه نشد. با این حال، نقض حاکمیت سرزمینی در حمله‌ای بدون تحریک قبلی، کشته شدن ده‌ها فرمانده ارشد و دانشمند هسته‌ای، بمباران تاسیسات اتمی، پایگاه‌های نظامی، زیرساخت‌های غیرنظامی و ساختمان‌های مسکونی و کشته شدن صدها غیرنظامی، رویدادی تاریخی و مهم با پیامدهای استراتژیک گسترده برای ایران بود.

جنگ دوازده‌روزه شاید از مدت‌ها قبل در حال شکل‌گیری بود. از نگاه غرب، ریشه‌های آن به روزهای نخست انقلاب و تقابل با آمریکا بازمی‌گردد. درگیری نامتقارن بین دو کشور از بحران گروگان‌گیری آغاز شد و با بمب‌گذاری‌ها و گروگان‌گیری‌ها در لبنان، حملات آمریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرانی و ادامه‌ی این نزاع‌ها در عراق، سوریه، یمن و اکنون سرایت آن به خاک خود ایران، مسیر خود را پیمود.

از دید برخی ناظران ایرانی، ریشه‌های جنگ دوازده‌روزه می‌تواند به سال ۱۳۹۰ بازگردد؛ زمانی که بهار عربی، حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را تهدید کرد و

فرآیند قطع بازوهای منطقه‌ای ایران آغاز شد. در این روایت، تقابل با ایران در منطقه پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) شتاب گرفت. عملیات «طوفان الاقصی» فصلی تازه در دهه‌ها منازعه میان اسرائیل و فلسطین گشود و «محور مقاومت» را در مرکز توجه قرار داد. این محور که ایران پشتیبان آن شناخته می‌شد، در حال نشان دادن قدرت، نفوذ و توانایی خود در برهم زدن برنامه‌های آمریکا در منطقه بود. وضعیت جدید بازتاب‌دهنده راهبردی بود که ایران طی دهه‌ها آن را شکل داده و مصرانه دنبال کرده تا با ایالات متحده مقابله کرده و نفوذ خود را در منطقه تثبیت کند.<sup>۱</sup> در ابتدا این‌گونه به نظر می‌رسید که این حمله به نفع «محور مقاومت» بوده است. با این حال، پس از یک سال، ورق برگشت. با وجود این‌که حماس به مقاومت خود ادامه داد و اسرائیل نتوانست تمامی گروگان‌های خود را آزاد کند، اسرائیل غزه را ویران کرد، حماس به شدت تضعیف شد، ده‌ها هزار نفر از مردم غزه کشته شدند و نزدیک به دو میلیون فلسطینی به طور کامل آواره گشتند.

در ادامه، اسرائیل ضربه‌ای مرگبار به حزب‌الله وارد کرد؛ رهبر افسانه‌ای آن، سید حسن نصرالله، به همراه ده‌ها نفر از فرماندهان ارشد و صدها نیروی میدانی و فرماندهان رده پایین آن کشته شدند. در این روند، بیش از صد هزار واحد مسکونی تخریب شد و بیش از یک میلیون شیعه لبنانی از خانه‌های خود آواره شدند، بدون آن‌که چشم‌اندازی برای بازسازی فوری وجود داشته باشد.

پس از لبنان، نوبت به سوریه رسید. فروپاشی ناگهانی حکومت بشار اسد در یک شب، به حضور سیاسی و نظامی ایران در سوریه پایان داد؛ فاصله‌ای در محور مقاومت بین ایران، عراق و لبنان ایجاد شد و از آن بدتر، رهبری سوریه به دست یک سنی متعصب و تندرو، زابیده القاعده و داعش افتاد که نسبت به ایران به دلیل حمایت از اسد کینه دارد و مهم‌تر از آن، به شدت ضد شیعه است. تحولات سوریه پیروزی‌ای برای ترکیه محسوب می‌شد، اما شاید مهم‌تر از آن، این تغییر به نفع اسرائیل تمام شد چرا که اکنون با سقوط حکومت اسد و حذف حضور ایران از اطراف مرزهایش، شام را آرام و حیاط خلوت خود می‌دید.

اسرائیل پیش از این نیز قواعد درگیری با ایران را در جریان جنگ تغییر داده بود. این کشور به کنسولگری ایران در دمشق حمله کرده و سپس اسماعیل هنیه، رهبر

۱. نرگس باجغلی و ولی نصر، «جنگ غزه چگونه محور مقاومت را احیا کرد»، نشریه فارن افرز، ۱۷ ژانویه.

فلسطینی، را در تهران ترور کرده بود. حتی در آن زمان نیز روشن بود که برای اسرائیلی که از دل ۷ اکتبر و جنگ غزه بیرون آمده، دیگر حزب‌الله یا حضور ایران در سوریه بازدارندگی ندارد. اسرائیل اکنون آمادگی داشت که مستقیماً به ایران حمله کند. جنگ دوازده‌روزه نقطه اوج این تحولات بود. فروپاشی بازدارندگی ایران در شام، آن را در برابر حمله به خاک خودش آسیب‌پذیر کرده بود.

جنگ دوازده‌روزه تأثیر روانی عمیقی بر مردم ایران گذاشت. ظهور میهن‌دوستی در واکنش به حمله خارجی، قابل‌انتظار بود؛ اما آن چه چندان پیش‌بینی‌پذیر نبود، شکل‌گیری موجی نیرومند از ملی‌گرایی ایرانی در پی نخستین حملات بود. این موج از پایین‌ترین لایه‌های جامعه تا بالاترین سطوح حاکمیت را دربر گرفت و واکنش‌هایی را بین مردم عادی و نخبگان حاکم برانگیخت.

در دوران جنگ هشت ساله، این ایدئولوژی اسلامی بود که مقاومت ملی را شکل داد و در دهه‌های بعد نیز، حضور نظامی ایران در عراق و سوریه نیز بر پایه‌ی هویت شیعی با تأکید بر «دفاع از حرم» تعریف شد. اما در جریان دفاع از ایران در جنگ اخیر، این نه ایدئولوژی اسلامی و نه هویت شیعی، بلکه ملی‌گرایی ایرانی بود که وحدت ملی را تعریف کرد و زبان آن را شکل داد.

هم دوران جنگ و هم در زمان اوج گرفتن تنش‌های منطقه‌ای و اعزام «مدافعان حرم»، این مداحان بودند که سیاست‌های ایران را از طریق پیوند آن با مفاهیم مذهبی به مردم عرضه می‌کردند. پایان جنگ دوازده‌روزه با ماه محرم هم‌زمان شد. اما این بار مرثیه‌های پرشور بسیاری از مداحان با مفاهیم میهنی آمیخته بودند و بر مظلومیت ایران تمرکز داشتند و این اتفاق از نظر نمادین قابل توجه بود، به خصوص که تعدادی از این مداحان به مراکز قدرت نزدیک بودند.

یکی از نقاط اوج این رویکرد در مراسم سوگواری شب عاشورا رخ داد وقتی که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بالاترین مرجع سیاسی و دینی کشور، در نخستین حضور عمومی خود پس از جنگ، با فراخواندن مداح این مراسم، از او خواست که روضه خود را با مرثیه‌ای با عنوان «ای ایران» آغاز کند که با تغییراتی در سرود ملی گرایانه محبوب ایرانیان تنظیم شده بود. در این مداحی ایران به عنوان «حرم» خوانده شد که معمولاً مداحی‌ها بر آن متمرکز بود:

در روح و جان من، می‌مانی ای وطن

تویی، تویی، تو هستی حرم، تویی تو خانه من

این برداشت که «وطن» را با «حرم» یکی می‌انگارد، جوهره این گرایش جدید را به خوبی به تصویر می‌کشد. آیت‌الله خامنه‌ای با این کار به گونه‌ای معنادار این زبان ملی‌گرایانه جدید را به عنوان زبان جمهوری اسلامی به رسمیت شناخت.

اگر در دوران جنگ با عراق این ایدئولوژی اسلامی بود که مردم را به دولت پیوند می‌داد و به جمهوری اسلامی عمق استراتژیک می‌بخشید، این بار ملی‌گرایی ایرانی است، که به عنوان مفهومی که تاکنون در گفتمان رسمی حکومت غایب بود، همین نقش را ایفا کرده است. این تحول، نقطه عطفی مهم برای جمهوری اسلامی به شمار می‌آید، نقطه عطفی که می‌تواند مسیر تحول آینده‌ی آن را تعریف کند.

اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که جنگ دوازده‌روزه، مباحث مربوط به امنیت ملی را به مرکز توجه آورده است. طی ۴۵ سال گذشته سیاست خارجی ایران و حتی شکل‌گیری ساختار دولت بر راهبردی استوار بوده و اکنون پرسش‌هایی عمیق درباره‌ی مفروضات این راهبرد، شیوه‌ی اجرای آن و این‌که آیا اساساً با وجود سوابق گذشته، ادامه آن پایدار و ممکن است یا نه، مطرح شده‌اند. این‌ها پرسش‌هایی به جا هستند و طبیعی است که در پی رویدادهای فاجعه‌بار دو سال گذشته مطرح شوند؛ دورانی که طی آن ایران از موقعیت مسلط در منطقه و بازدارندگی مؤثر در برابر اسرائیل و ایالات متحده، به جایی رسید که ناچار به دفاع از درون مرزهای خود شد.

برای هر ناظری که در پی درک این لحظه تاریخی و آن‌چه ممکن است در آینده رخ دهد، یا باید رخ دهد، باشد، بررسی تحولات کلان‌راهبرد امنیت ملی ایران امری ضروری است. این راهبرد بر چه مفروضاتی استوار بوده و چرا؟ چرا جمهوری اسلامی سیاست‌هایی خاص را برای پیشبرد اهداف خود برگزید؟ دستاوردها و شکست‌ها، هزینه‌ها و منافع این راهبرد چه بوده‌اند؟ و این مسیر چگونه بر ساختار دولت و جامعه ایران تأثیر گذاشته است؟ هدف این کتاب ارائه‌ی همین تاریخ است: روشن کردن روند تحول راهبرد کلان امنیت ملی ایران، راهبردی که در این برهه، به عنوان مهم‌ترین نیروی شکل‌دهنده به جمهوری اسلامی، در کانون توجه قرار دارد.



طی چند دهه، بسیاری در غرب و همچنین در ایران، تلاش کرده‌اند سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در چارچوب ایدئولوژی اسلامی انقلاب ۱۳۵۷ تبیین کنند. در این روایت، ایران یک حکومت دینی است که توسط روحانیون اداره می‌شود و همین امر، دلیل تصمیمات کوچک و بزرگ سیاست خارجی آن دانسته می‌شود. اما این نگاه به

همان اندازه ساده‌انگارانه است که بخواهیم ایدئولوژی کمونیستی را توضیحی کافی برای سیاست خارجی شوروی، چین یا ویتنام در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بدانیم. جمهوری اسلامی مدت‌هاست که از خاستگاه انقلابی خود فراتر رفته و به یک دولت-ملت نمونه تبدیل شده است. اسلام همچنان زبان سیاست در ایران است و ابزاری در دست طبقه سیاسی و فرماندهان نظامی برای تحقق منافع سیاسی و اقتصادی در داخل و تعریف منافع ملی در خارج، اما این اهداف اکنون ماهیتی سکولار دارند. دقیق‌تر آن است که بگوییم، فارغ از ریشه‌های ایدئولوژیک اسلامی، ایران در طول چهار دهه و نیم گذشته، نوعی خاص از نگاه به امنیت ملی را پذیرفته که خطوط کلی آن توسط دو رهبر عالی جمهوری اسلامی از زمان انقلاب تا کنون، آیت‌الله روح‌الله خمینی و آیت‌الله علی خامنه‌ای، تعریف شده است. این نگاه، با سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده در تضاد است و امنیت و عظمت ایران را در مهار نفوذ آمریکا جست‌وجو می‌کند. در عمل، این چشم‌انداز در قالب کلان راهبردی متجلی شده که هدایت سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر عهده داشته است. این کتاب روایتگر همین تحولات خواهد بود و نشان خواهد داد که با وجود ماهیت اقتدارگرایانه جمهوری اسلامی، آن چه بیش از کنترل نارضایتی‌ها و ثبات داخلی ذهن رهبران ایران را به خود مشغول داشته، ملاحظات راهبردی بوده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌هایی خطاب به مسئولان امنیتی، سیاسی و روحانیون تأکید کرده است که ایران به اهداف راهبردی خود نزدیک شده است: «شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم. ایران از دامنه کوه بالا رفته و به نزدیکی قلّه رسیده است.» او تأکید می‌کند که این کشور باید با استواری در مسیر باقی بماند و از خستگی در این راه پرهیز کند. هرچه به قلّه نزدیک‌تر شود، تلاش آمریکا برای سد کردن راه آن بیشتر خواهد شد. شاید جمهوری اسلامی تقابل‌های منطقه‌ای خود با اسرائیل و ایالات متحده و احتمالاً جنگ دوازده‌روزه را نیز از همین منظر درک می‌کند. چه چیزی در قلّه‌ای نهفته است که آیت‌الله خامنه‌ای از آن سخن می‌گوید؟ هدفی که ایران در پی آن است چیست؟ در سال ۱۳۸۴، آیت‌الله خامنه‌ای مجمع تشخیص مصلحت نظام، متشکل از مقامات عالی‌رتبه کشوری، را مأمور کرد تا چشم‌اندازی راهبردی برای جمهوری اسلامی تدوین کنند. حاصل این مأموریت، سندی با عنوان «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» بود که نسخه‌ای ایرانی از اسنادی مشابه به شمار می‌آمد که در بسیاری از کشورهای جنوب جهانی در دهه‌های اخیر

رواج یافته‌اند. «چشم‌انداز ۱۴۰۴» ایران نیز خواستار صنعتی‌سازی و رشد اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آموزشی و فناورانه و ساختن دولتی مدرن با ماهیت اسلامی بود. هدفی که این سند برای ایران ترسیم کرد، تبدیل شدن به قدرت نخست سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه‌ی غرب آسیا بود.

چهار سال بعد، در اسفند ۱۳۸۷، آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌ای به مناسبت آغاز دهه چهارم انقلاب، پایبندی دولت به این چشم‌انداز را تأیید و اعلام کرد که دهه پیش رو، «دهه‌ی پیشرفت، عدالت» خواهد بود. او در همان سخنرانی ایالات متحده را به عنوان مانع اصلی در مسیر تحقق این اهداف معرفی کرد. در این چشم‌انداز جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای در دل اهداف ملی قرار گرفته بود؛ اما همان‌طور که آیت‌الله خامنه‌ای نیز اذعان داشت، این چشم‌انداز تضادی بنیادین را آشکار می‌کرد: تلاش برای توسعه و پیشرفت، هم‌زمان با پافشاری بر تقابل با غرب. در مواجهه با این تناقض، رهبران جمهوری اسلامی استدلال کرده‌اند که این ایالات متحده است که با ایران در حال جنگ است و با اعمال تحریم‌های اقتصادی، دامن زدن به ناآرامی‌های داخلی و مهار نفوذ منطقه‌ای ایران، می‌کوشد راه رسیدن ایران به اهدافش را سد کند. ایران باید از طریق مقاومت اقتصادی، سیاسی و نظامی بر این چالش فائق آید. جمهوری اسلامی به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ آن‌گونه که برنامه‌ریزی شده بود دست نیافته، اما در عوض، سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری در مسیر مقاومت در برابر آمریکا انجام داده است. این مقاومت، چنان‌که انتظار می‌رفت، می‌بایست هم ایران را در برابر فشارهای ایالات متحده حفظ کند و هم برایش اهرم، زمان و فضای لازم برای پیگیری اهداف ملی فراهم آورد. با این حال، جنگ دوازده‌روزه، چالش‌هایی تازه را پیش روی این مفروضات قرار داده است.

ادعای اصلی این کتاب آن است که راهبرد کلان ایران، دست‌کم از زمان جنگ ایران و عراق، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری دولت در جمهوری اسلامی بوده است. تاریخ جمهوری اسلامی و روند تکاملی آن در دهه‌های گذشته تا رسیدن به وضعیت کنونی‌اش، همچنان موضوع بحث و بررسی گسترده است. مطالعات و تفسیرهایی گوناگون بر عوامل ایدئولوژیک و سیاسی داخلی تمرکز داشته‌اند. با این حال، برای درک چگونگی تحول دولت و جامعه ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون، باید امنیت ملی را نیز به عنوان یکی از محرک‌های جدی دولت‌سازی مورد توجه قرار داد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، ایران طی مدتی طولانی کشوری در وضعیت جنگی بوده

است؛ گاه در جنگی تمام عیار و گاه در نبردی نامتقارن و مستمر با ایالات متحده. این جنگ طولانی، اولویت‌های دولت را سازماندهی کرده و به نوبه خود، سیاست‌های آن را در قبال جامعه و اقتصاد شکل داده است. این کتاب بر این باور است که جمهوری اسلامی، در بسیاری از وجوه، در ذات خود دولتی امنیت‌محور است، دولتی که در متن جنگ ساخته شده و در بستر جنگی مداوم تداوم یافته است. امنیت ملی به تنهایی توضیح‌دهنده‌ی همه‌ی ابعاد تحول جمهوری اسلامی نیست، اما هیچ تبیین جامعی از این تحول، بدون در نظر گرفتن تأثیر امنیت ملی، ممکن نخواهد بود.

امنیت ملی مفهومی است که ذهن تمام دولت‌ها را به خود مشغول می‌کند؛ اما دولت‌های مختلف تهدیدهای امنیتی را به گونه‌ای متفاوت درک کرده و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز برداشت خاص خود را از تهدیدها و اولویت‌های امنیت ملی داشته و شیوه‌ی واکنش به آن‌ها را بر اساس همین درک تعریف کرده و همین فرآیند، راهبرد کلان آن را شکل داده است. مفروضات و سیاست‌هایی که این راهبرد کلان را تشکیل داده‌اند، همواره موضوع بحث و مناقشه‌ی جدی در درون ایران بوده‌اند؛ در میان رهبران، طبقات سیاسی و روشنفکری و حتی شهروندان عادی. این مناقشات در قلب رقابت‌های جناحی قرار داشته‌اند و انتخابات ریاست جمهوری را تحت تأثیر قرار داده‌اند و گاه به موضوع غالب در نزاع بین نخبگان سیاسی تبدیل شده و سایر مسائل را به حاشیه برده‌اند. از این‌رو، بررسی حوزه امنیت ملی ایران و کلان راهبرد آن برای مدیریت این حوزه، به عنوان یکی از ویژگی‌های محوری تاریخ جمهوری اسلامی، اهمیت بسزایی دارد.

دولت‌ها دارای منافع هستند، اما این رهبران دولت‌ها هستند که این منافع را تفسیر کرده و بر اساس آن‌ها عمل می‌کنند.<sup>۱</sup> این رهبری یک کشور است که تعریف می‌کند امنیت ملی چه چیزهایی را در بر می‌گیرد، از کجا آغاز می‌شود، به کجا ختم می‌شود و چگونه باید آن را پیگیری کرد. این برداشت از امنیت ملی، چشم‌اندازهای کلان را شکل می‌دهد، اقدامات روزمره را هدایت می‌کند و الگوهای رفتاری را توضیح می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. رابرت چرویس، «سیاستمداران چگونه می‌اندیشند: روان‌شناسی سیاست بین‌الملل» (پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۲۰۱۷)؛ و کارن یاری-میلو، «شناخت دشمن: رهبران، اطلاعات، و ارزیابی نیت در روابط بین‌الملل» (پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۲۰۱۴)

۲. آنتونی گیدنز، «مدرنیته و هویت فردی» (استنفورد، کالیفرنیا: انتشارات دانشگاه استنفورد، ۱۹۹۱)، ص ۲۴۳؛ و جنیفر میتزن، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست جهانی: هویت دولت و معضل امنیت»، نشریه اروپایی روابط بین‌الملل، جلد ۱۲، شماره ۳ (سپتامبر ۲۰۰۶)، صص ۳۴۱-۳۷۰

برداشت ایران از امنیت ملی از سال ۱۳۵۷ تاکنون تحول یافته و بر پایه نگرشی خاص و عمیق به منافع و امنیت ملی شکل گرفته است، برداشتی که ریشه در تاریخ معاصر و حتی گذشته‌های دورتری دارد: میراث استعمار و تحقیر ملی، از دست دادن سرزمین، دخالت‌های خارجی و سپس جنگ با عراق و رویارویی و رقابت منطقه‌ای مستمر با ایالات متحده. این درک از امنیت ملی اکنون در جهان بینی رهبران ایران نهادینه شده است و کنش‌های چالش‌برانگیز آن‌ها در عرصه بین‌المللی را هدایت می‌کند. این کنش‌ها نه جلوه‌هایی ایدئولوژیک‌اند، نه اعمال خشونت‌بار تصادفی و بی‌جهت، بلکه بازتاب‌دهنده یک راهبرد هستند و برنامه‌ای مشخص برای اجرای آن. طرح پرسش از خردمندانۀ بودن این راهبرد کاملاً به‌جا است و این موضوع اکنون به بخشی رایج در بحث‌های عمومی درون ایران بدل شده است. با این حال، این امر واقعیت را تغییر نمی‌دهد که پشت این راهبرد، مفروضاتی مشخص، منطق فکری و خوانشی ویژه از تاریخ نهفته است که جهان بینی و کنش‌های ایران را توضیح می‌دهد. در سال ۱۳۹۴، یکی از مقامات ارشد ایرانی<sup>۱</sup> که برای حضور در سازمان ملل به نیویورک سفر کرده بود، با هنری کسینجر دیدار کرد. کسینجر که از تجربه‌ی دست‌اول خود در مواجهه با تحولات سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی و چین در پایان جنگ سرد سخن می‌گفت، از همتای ایرانی‌اش پرسید که ایران چه زمانی، همانند آن کشورها، ایدئولوژی انقلابی خود را کنار خواهد گذاشت و به عمل‌گرایی روی خواهد آورد؟ کسینجر، همان‌طور که پیش‌تر در مقاله‌ای خلاصه کرده بود، به دنبال این پاسخ بود که ایران چه زمانی دست از حرکت به عنوان یک «آرمان» برمی‌دارد و مانند یک «دولت-ملت» رفتار می‌کند. مهم‌تر از همه چه زمانی ایران شمشیر خود را در برابر آمریکا غلاف می‌کند؟<sup>۲</sup>

در ادامه گفت‌وگو، بحث به فیلسوف آلمانی امانوئل کانت و نظریه‌ی «صلح پایدار» او کشیده شد؛ نظریه‌ای که بیان می‌دارد درگیری میان دولت‌ها زمانی پایان می‌یابد که طرف‌های درگیر از جنگ و نزاع چنان فرسوده شوند که دیگر حاضر نباشند حتی به بهای اندکی خون و ثروت، به نفوذ یا قلمرو خود بیفزایند. کانت استدلال می‌کرد که تنها در آن لحظه است که دولت‌ها صلح را ارزشمندتر از جنگ خواهند دید. پرسشی که

۱. با توجه به اینکه دکتر علی لاریجانی از مترجمان آثار امانوئل کانت به زبان فارسی در ایران بوده و خود نیز در خاطرات و گفتگوهایش به دیدار با هنری کسینجر اشاره کرده است احتمال دارد منظور از مقام ارشد ایرانی در این روایت وی باشد

۲. استیفن گابارد، «نهار با فایننشال تایمز: هنری کسینجر»، فایننشال تایمز، ۲۳ می ۲۰۰۸، و هنری کسینجر، «ایران باید اولویت فوری رئیس‌جمهور اوباما باشد»، واشنگتن پست، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۲.